

درخواست عارف از رئیس قوه قضائیه:

ضرورت حساسیت بیشتر در رسیدگی به پرونده فعالان کارگری

● محمدرضا عارف در دیدار با اعضای هیئت مدیره کانون بازنستگان سازمان تأمین اجتماعی تهران، با انتقاد از برخوردی نامرتبی با مطالبات صنفی افسار مختلف جامعه ازجمله کارگران گفت: «به رئیس محترم قوه قضائیه می‌خواهم بگویم: پرونده فعالان کارگری و کسانی که در تجمعات روز کارگر بازداشت شده‌اند، با حساسیت بیشتری رسیدگی کنند». به گزارش «امیدنامه»، او با بیان اینکه عاشورا حادثه‌ای باظرف در تاریخ بشری است، خاطرنشان کرد: «جای تأسف است از اینکه چهره واقعی حضرت ابعادالله (ع) و فلسفه قیام ایشان خلاف آن چیزی است که بعضاً در برخی مجالس ترویج می‌شود. تاسف‌بارتر آنکه برخی مجالس عزای سیدالشهدا را تبدیل به توهین و اهانت به اركان نظام ازجمله مجلس شورای اسلامی می‌کنند که جلوه

بازر سوءاستفاده از یک مراسم معنوی برای مقاصد سیاسی است» و او در بخش دیگری از سخنان خود، با تأکید بر اینکه کارگران صاحبان اصلی انقلاب هستند و شعار اصلی انقلاب، محرومیت‌زدایی بوده است، گفت: «وظیفه حاکمیت، تأمین زندگی شرافتمندانه برای احاد ملت به‌خصوص کارگران و بانزینستگانی است که در همه صحنه‌ها حضور جای داشته و باید که بار انقلاب را به دوش کشیدند». او با اشاره به اینکه همیشه کشور با مشکلاتی برای پاسخ به مطالبات مردم روبه‌رو بوده است، گفت: «اما امروز شرایط بحرانی‌تر از همیشه است و باید برای عبور از این شرایط چاره‌اندیشی شود». عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام یکی از متوسلین کشور در ۴۰ سال گذشته از رفتار زندگی تک‌مفکد کرد و گفت: «بارها در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها، وعده‌هایی داده شده است بدون آنکه امکان عملی‌شدن آنها را بررسی کنیم. به تبع آن وعده‌ها، مطالبات مردم را بالا بردیم و نتیجه آن شده که بار کارگران، بانزینستگان و اقشار آسیب‌پذیر وعده‌هایی دادند که تحقق آن با مشکلات همراه بوده است». عارف حمایت از کارگران و بانزینستگان و وظیفه دولت و مجلس دانست و درباره طرح اصلاح ساختار تأمین اجتماعی که در مجلس شورای اسلامی مطرح است، گفت: «می‌دانم تعدادی از نمایندگان پیگیری این طرح هستند. باید این طرح به کمک مرکز پژوهش‌های مجلس مستحکم شود تا بتوانیم با جدیت از آن دفاع کنیم».

عبدالرضا داوری، یکی از نزدیکان محمود احمدی نژاد، در توییتهای اخیر عجیبی را درباره سید محمود دعایی، از یاران امام و سرپرست روزنامه اطلاعات، مطرح کرده است. او در آن توییتهای می خواسته ثابت کند که دعایی در شهادت مصطفی خمینی نقش داشته است. سید سراج الدین موسوی درباره این ادعا در «جمران» نوشت: در این مطلب سه ادعا نهفته است. نخست آنکه ساواک اقدام به ترور فرزند ارشد امام نکرده است. دوم آنکه در این ماجرا آقای دعایی نقش داشته است و سوم آنکه جریان قاتل به اتفاق حاج احمد قاسم با امام مایل بود است. از ادعای فوق که بگذریم، به معلوم نیست از کجا نویسنده به این اطمینان رسیده است. دو ادعای دیگر شگرف و عجیب و باطل است و بیش از هر چیز نشان دهنده درک نازل و فهم ناقص نویسنده است. راستی آیا این نویسنده که خود را وابسته به رئیس جمهور سابق می داند این مقدار از حقایق به دور است یا عناد و دشمنی، او را به این «چشم‌بینگی» کشیده است؟ آیا او تصور می کند که امام با آن درک الهی بی خود را از اینچنین رها کرده بود؟ راستی آیا این استاد که نویسنده این توییتهای ادعا می کند، از روزهای اول انقلاب تا امروز پنهان بوده و یکبار در دسترس آن بی اطلاع بوده‌اند؟ فهم و درایت همه فعالان سیاسی از شاه جناح‌های مختلف و همه اختلافات، بزرگ‌ترین شاهد برانگیز این نویسنده جنمالی است. درباره مرحوم حاج احمد آقا باید در جای خود سخن گفت و

چسبدا اصلا نیازی نباشد که بخواهیم از این دفاع کنیم. اما درباره برادر عزیز و شریف، حضرت آقای داعی لازم است اشاره کنم که بی تردید در میان یاران امام در حد کثرت است. من را می توان یافت که به اندازه آقای داعی فعال و دلسوز و برای امام باشد. اعتماد کثرت مرحوم حاج آقا مصطفی و مرحوم حاج احمد آقا به ایشان برای هر کسی که با بیت امام در نجف و ایران مراد داشته، مشهود بود و صدای رسای او که صدای روحانیت شیعه بود همواره در نظر همه تریبون انقلاب امام محسوب می شد و چنان که از نهادهای صحنه درباره او گفته اند جناب آقای داعی را به خالص ترین و صمیمت کثیده ترین یاران امام در قبل و بعد از پیروزی انقلاب هستند. باید قدیم، استقامت رآی و آزادی و جوانمردی در کنار تواضع و فروتنی و زندگی سالم از صفات ممتاز این فرزند راستین انقلاب است. آقای داعی از مردانی است که در فراز و فرودهای دنیا، لحظه ای امام و بیت امام را یاران امام را تنها نگذاشت و طعنه و تهدید و تمطیع او را مرتلزل نداشت. درحالی که دهان از همراهی با بیت امام مغفلت نمی کرد و می دانست این چنین بکار نهمت با هراق ری می گردد، هیچ گاه به باور هایش پشت نماند. داعی انقلابی حقیقی بوده و هست و روزی به این قطار انقلاب پیوسته که توأم شدنش با این مسیر مشکلاتی افراوان به همراه داشته است. او هر روز از نجف به بغداد می رفته و پیش از ظهر به نجف بازمی گشته تا کسی نداند سخنگوی رادیوی مبارزین کیست. او پیشرفت واقعی و ترقی یابی هرگز اندیشه برای او سکان و پلکان کیفراتی و ترقی شخصی نبوده است. داعی از افراد زیادی چوب خورده اما آن را به کیئه تبدیل نکرده است. داعی مواضع است

ولی تواضع او رنگ انظام ندارد. او روی اصول و قواعد و می‌ایستد ولی پرخاشگر نیست، مواضع خود را دارد ولی هرگز به اسم پشت نمی‌کند. داعی معتقد به تمام ارزش‌هایی است که برای آنها فدا شده است. متأسفانه بسیاری انقلابی‌گری را با یک طرفه‌اندن و ارزش‌گری را با تعدد یکنس می‌گیرند و دروغ را در راه اهداف خود جایز می‌شمارند. جا دارد به خاطر مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هم اشاره کنم که درباره آقای داعی گفته بودند: «در سال ۴۵ بیانیه‌ای علیه جشن تاج‌گذاری داده بودیم که من و آقای داعی ولی فرقی من در استیکر و تاج‌گذاری شدم و او به عراق فرستادیم و در آنجا با کساح‌آقای مصطفی حسینی به رادیو بغداد رفت و سال‌ها یکت، سخنران برنامه بسیار تأثیرگذار، نهضت روحانیت در ایران» بود. برخورد با کسی [آقای داعی] که همه عمر، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، در خدمت نظام بوده، نشان از صمیمیتی است که هیچ پشوانه عقلانی، قانونی و هیچ‌دنگری در وجه و نگرانیم چون، عواقب این‌گونه رفتارها به‌هیچ‌وجه و به نفع نظام نیست». و حقیقت آنکه این سطر را هم نه برای دفاع از یادگار امام و داعی عزیز نوشته‌ام چراکه بهتر از هرکس می‌دانم با وجود شهادت امام و بیت امام و یاران امام، نه نوشته آن توبیت و نه امثال آن نمی‌تواند کردی در سلامت ایشان نباشند، بلکه این را برای دلنکته خویش نوشتم که بعضی روزها پیش از هر زمانی دلی‌ای زبان دوستان سفرکرده تنگ می‌شود. یاد روزهای بزراد بغداد می‌افتد که آقای داعی از طرف بی‌ایم در نجف ششصدای آزادی من به درب زندان آمد، مرا در مرز کویت و به سبب آنکه

روزنامه‌های منطقه را برای امام می‌بردم دستگیر کردند و ابتدا به زندان بصره بردند و بعد به بغداد منتقل کردند. در همان روزها امام در اعتراض به برخی محدودیت‌های سازمان تشرف نمی‌بخشد. زهرا معاون مقتدر سعدون شاکر، رئیس استخبارات عراق خدمت امام رسیده بود تا عذرخواهی کند و امام در همان جلسه به دستگیری شماری از ارادتمنداناش از جمله مرحوم حاج‌علی خلخالی و من اشاره کرده بودند. زهیر خود به زندان بغداد آمد و ما با احترام کامل آزاد کرد. از زندان که بیرون آمد دیدم مردم عادی منتظر من است. گفت که آن طرف مرحوم حاج احمد آقا را مرحوم شهید محمد منتظری مأموریت یافته تا مرا به نجف ببرد. مستقیماً وارد منزل مرحوم شیخ حسن کربوی، برادر حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین شیخ مهدی کربوی شدیم و حضرت حاج احمد آقا را دیدار کردم. کسانی که آن روزها را در کربدهان می‌داند که آن روزها رژیم عراق یک کینه عمده با ترسی از امام داشت برتر عقیق محبت داعی‌ای امر می‌کنند. تنها چند روز بعد از آن بود که امام در ادامه اعتراض با رژیم عراق این کشور را به مقصد کویت و بعد فرانسه ترک کردند. خدای متعال همه ایشان را در رحمت خویش مستغرق دارد و با اولیای خویش محشور نماید. داعی‌ای و داعی‌های غیر خود را وقف انقلاب کرده‌اند و از بگوینی ناخبران را خلد دست کینه‌های دیرینه کینه‌توزان می‌شوند خم به ابرو نمی‌آورند که چنین خویش دیده‌اند «چرا می‌را که ایند بفرورزد/ که احشام یکد ریشش بسوزد».

با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی برگزار شد

مراسم عزاداری شام غریبان امام حسین^(ع)